

رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در فرآیند جهانی شدن نیازمند اصلاحات ساختاری است

اشاره:

تجارت، موتور محرکه رشد اقتصادی در کشورهای مختلف جهان است که در روند سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و تورم‌زدایی تأثیر مستقیم دارد و در نهایت به رفاه بیشتر و استاندارد بالاتر زندگی مردم در جوامع مختلف می‌انجامد.

تجارت در سال‌های پس از خاتمه دومین جنگ جهانی، فرآیند توسعه و آزادسازی را طی کرده و اکنون به مرحله شکوفایی خود رسیده است. گسترش سهم در تجارت جهانی، هدف عمده کشورها و شرکت‌های بزرگ، متوسط و کوچک است، زیرا که بقای اقتصادی آنها به افزایش سهمشان در تجارت بین‌الملل بستگی دارد.

رقابت در دنیای تجارت، اصلی پذیرفته شده است و بنگاه‌های اقتصادی برای رقابت‌پذیری بیشتر و افزایش سهم بازار، همواره درصدد ارتقای کارآیی خود می‌باشند. در همین حال کشورهای جهان به ویژه کشورهای صنعتی و پیشرفته تلاش وسیعی را در انجام مذاکرات چندجانبه به عمل آورده تا بتوانند دنیای رقابت را برای بنگاه‌های اقتصادی سالم‌تر و آزادتر سازند.

جهانی شدن مقوله‌ای است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ جایگاه خود را در ادبیات اقتصادی باز کرد و در فضای مذاکرات چندجانبه موقعیت خود را به اثبات رساند. با تأسیس سازمان جهانی تجارت (WTO) بر مبنای موافقتنامه گفت‌وگوهای دور اروگوئه مذاکره در خصوص جهانی شدن ابعاد ویژه‌ای پیدا کرده است و این سازمان مسؤلیت هدایت آن را به عهده دارد. در این مقاله به بررسی روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت و آثار آن بر زندگی ملل جهان می‌پردازیم.

از آنجا که «تجارت» موتور توسعه اقتصادی در جوامع بشری تلقی می‌شود، در دنیای امروز آزادسازی تجارت جهانی به مقوله اصلی مذاکرات چندجانبه تبدیل شده است.

پیشرفت‌های علمی و فناوری در کنار بهره‌جویی از فناوری اطلاعات، موقعیتی را ایجاد کرده که تجارت جهانی روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری یافته، به گونه‌ای که حجم مبادلات جهانی اینک به سالانه ۷ تریلیون دلار رسیده و بخش قابل توجهی از تولید جهانی را دربر گرفته است.

فروش و صدور ایسن مقدار محصول در بازارهای جهانی، امر پیچیده‌ای است که رابطه مستقیم با رقابت‌پذیری اقتصادهای جوامع

<p>کشورهای عضو و اعضای تازه وارد به سیستم تجارت جهانی هستیم. دستیابی به بازارهای جهانی که در موافقتنامه‌های دور اروگوئه با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌ها تصریح شده است، برای بنگاه‌های اقتصادی فضای سالم‌تری را برای رقابت ایجاد کرده است. اما آن گروه از بنگاه‌ها که قادر به انجام اصلاحات ساختاری برای رقابت‌پذیری بیشتر و ارتقای کارایی خود باشند، می‌توانند از این فرصت‌های طلایی بهره‌جویی کنند. در همین حال کشورهای علاقه‌مند به حضور در اقتصاد جهانی و ادغام در آن، همواره تلاش کرده‌اند که شرایط مساعد قانونی و امنیت اقتصادی را برای رشد بنگاه‌های اقتصادی و رقابت‌پذیری آنها فراهم سازند.</p> <p>اوضاع اقتصاد جهانی در اواخر قرن بیستم تا حدودی بهبود یافت و آثار رکود سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ به تدریج از بین رفت. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصاد جهانی در سال ۱۹۹۹ به ۲/۷ درصد و سپس به ۲/۸ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. در سال میلادی گذشته، اقتصاد جهانی در پی حملات تروریستی به شهرهای آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱ (شهریور ۱۳۸۰) به شدت آسیب دید. افت ارزش سهام در بازارهای معتبر مالی، ضربه به صنایع و بخش‌های</p>	<p>حفظ کند و در این زمینه به انجام اصلاحات ساختاری در سطح خرد و کلان رضایت می‌دهد.</p> <p>آنچه مسلم است، بازارهای جهانی با رونق اقتصادی جوامع، توسعه می‌یابد، اما این حجم توسعه همواره متناسب با رشد تولید نبوده و فقط در دوره‌های رونق، رشد تجارت جهانی از رشد تولید جهانی فراتر رفته است. در دوران رکود نرخ رشد تجارت جهانی اغلب کمتر و گاهی مساوی با رشد تولید جهانی بوده است و تأثیر مستقیم بر بنگاه‌های اقتصادی و افزایش بیکاری و ورشکستگی داشته است.</p> <p>در جریان مذاکرات چندجانبه دور اروگوئه، کشورها تلاش داشتند که تا سرحد امکان موانع تجارت را از سر راه بردارند و روند جهانی شدن را تسریع نمایند. موافقتنامه‌های صادره در پایان این دور از گفت‌وگوهای تجاری نیز الزاماتی را برای کشورهای عضو در گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) و سپس سازمان جهانی تجارت (WTO) ایجاد کرد. کشورها برای افزایش سهمشان در تجارت جهانی، به انجام اصلاحات ساختاری و قانونی برای رعایت الزامات یادشده رضایت داده‌اند و در این راستا نیز شاهد انتشار اخبار گوناگون از سوی</p>	<p>مختلف دارد. هر قدر قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی افزایش می‌یابد، سهم آن در تجارت جهانی گسترش پیدا می‌کند. در همین حال از اوایل دهه ۱۹۹۰ شاهد حرکت شرکت‌های بزرگ چندملیتی در خصوص افزایش سهم در بازار بوده‌ایم که موجبات ادغام بسیاری از شرکت‌های معظم دنیا در بخش‌های مختلف اقتصادی (خودروسازی، صنایع فولاد، هواپیماسازی، بانکداری، بیمه، صنایع سبک و سنگین، فناوری اطلاعات و...) را فراهم ساخت.</p> <p>این ادغام‌ها با هدف کسب سهم بیشتر در بازار جهانی و ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی ادغام شده در هر رشته صورت گرفت و نتایج مثبتی را نیز در رشد رقابت‌پذیری این بنگاه‌ها و افزایش سهم بازارشان به‌جا نهاد.</p> <p>اکنون رونق‌بخشی به اقتصاد جهانی به منظور رقابت‌پذیری و رشد تجارت جهانی بیش از پیش مورد توجه اقتصاددانان و دولت‌ها است، زیرا که رکود نخستین تأثیر خود را در افت جریان مبادلات اقتصادی به جا می‌گذارد و ورشکستگی شرکت‌ها، اخراج نیروی کار و... را به دنبال دارد. با این وصف جامعه بین‌المللی همواره تلاش دارد که رونق اقتصادی و تجاری خود را</p>
---	---	--

عمده خدماتی، افت محسوس توسعه صنعت گردشگری در جهان، ورشکستگی شمار بسیاری از شرکت‌ها در کشورهای صنعتی و گسترش بیکاری که اثر مستقیم بر افت تقاضای داخلی دارد، همگی در افت تجارت جهانی و نیز رشد اقتصاد جهانی مؤثر بودند.

به عقیده برخی کارشناسان، رشد اقتصاد جهانی در سال میلادی گذشته به حدود ۱/۵ تا ۲ درصد رسیده و انتظار می‌رود با اقدامات اصلاحی و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی به ویژه در کشورهای پیشرفته، به تدریج رکود نسبی اقتصاد جهانی در نیمه دوم سال میلادی جاری (۲۰۰۲) از بین برود و اقتصاد جهانی بتواند به رشد ۲ تا ۳ درصدی نایل آید.

از آنجا که تقریباً یک‌سوم تولید جهانی در جریان مبادله بین‌المللی قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود در سال جاری آهنگ رشد تجارت جهانی افزایش یابد.

صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است که رشد تجارت جهانی در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۴ به ۵/۵ درصد برسد که تقریباً معادل رشد آن در سال ۲۰۰۰ میلادی است. رشد اقتصاد جهانی نیز در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۴ حدود ۳/۳ درصد پیش‌بینی شده که از رشد ۲/۸

درصدی سال ۲۰۰۰ بیشتر است. حوادث ۱۱ سپتامبر تأثیر بسزایی در افت رشد اقتصاد جهانی و تجارت بین‌المللی داشته است و لذا تحقق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول برای سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۰ نیازمند اتخاذ سیاست‌های اقتصادی جدیدی در جهت تقویت رشد تولید و تجارت جهانی است.

اقتصاد آمریکا که بخش عمده اقتصاد جهانی را دربرمی‌گیرد، از مارس ۲۰۰۱ وارد دوره رکود شد و حوادث ۱۱ سپتامبر این رکود را تعمیق بخشید. دولت آمریکا در اواخر سال میلادی گذشته خواستار اقداماتی برای رونق بخشی اقتصاد این کشور شد. آمارهای مربوط به افزایش شمار بیکاران، کاهش عظیم مبادلات تجاری و وضعیت بازار سهام به خوبی وخامت اوضاع اقتصادی آمریکا را نشان می‌داد. با این وصف اتخاذ سیاست‌های انبساطی (کاهش نرخ‌های بهره، مالیات‌ها و...) برای تحرک بخشی به اقتصاد آمریکا، اقدامی ضروری بود که دولت آمریکا به عمل آورد و در همین حال تزیق مبالغ هنگفت به صنایع و شرکت‌های آسیب‌دیده از حملات تروریستی توانست روند گسترش رکود و بیکاری را در سال ۲۰۰۲ تا حدودی آرام‌تر سازد.

با این وصف، انتظار نمی‌رود که رکود، پیش از نیمه اول سال جاری خاتمه پیدا کند. آنچه مسلم است، رکود اقتصادی و گسترش بیکاری، کاهش تقاضای داخلی را به دنبال دارد و برای اقتصاد آمریکا و طرف‌های تجاری عمده آن (اروپا، ژاپن و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا)، مصیبتی بزرگ تلقی می‌شود.

اقتصادهای شرق آسیا برای رشد خود به تجارت خارجی به ویژه با بازار بزرگ آمریکا وابسته هستند و به همین جهت طولانی شدن رکود اقتصادی در آمریکا، به منزله سرایت رکود به کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ژاپن و شرق آسیا و به عبارتی گسترش رکود اقتصاد جهانی است و تأثیر مستقیم آن بر تجارت بین‌المللی قابل لمس است.

با وجود آنکه بانک توسعه آسیایی در اواخر سال گذشته میلادی در گزارشی پیش‌بینی کرد که اقتصاد کشورهای شرق آسیا از اواسط سال ۲۰۰۲ رو به بهبود خواهد رفت و احتمال بروز یک بحران عمیق اقتصادی شبیه سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ را بسیار کم داشت، اما چنانچه اقتصاد آمریکا رونق کافی نیابد، نمی‌توان به رشد اقتصادی کشورهای شرق آسیا خوش بین بود. این بانک رشد اقتصادی کشورهای شرق آسیا در سال ۲۰۰۱ را ۳/۹ درصد برآورد

و پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۰۲ به ۴/۷ درصد خواهد رسید. چنانچه اتحادیه اروپا به رشد نزدیک به ۳ درصد در سال جاری دست پیدا کند و اقتصاد شرق آسیا به طور متوسط رشد بیش از ۴

جهانی به سرعت تخریب می‌شود. مبادرت می‌ورزند، این اصلاحات، بحران‌ها و تنش‌های اجتماعی را رشد اقتصادی است و کاهش حجم تجارت، رکود را به اقتصاد کشورهای مختلف سرایت می‌دهد و بحران‌های یکساری و

جهانی شدن وجود

دارد، زیرا رعایت ملاحظات زیست‌محیطی به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قدرت رقابت بنگاه‌های اقتصادی می‌انجامد و در عرصه رقابت آنها را با دشواری

با وجود توافقات حاصله در جریان گفت‌وگوهای دور اروگوئه و آثار آن بر روند تجارت جهانی، به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی نیازمند گفت‌وگوهای بیشتر در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. نمی‌توان به جهانی شدن فکر کرد، بدون آنکه مسایل نیروی کار و حفاظت محیط زیست نادیده گرفته شود.

درصد را تجربه

کند، می‌توان به رشد اقتصاد جهانی امیدوار شد و تا حدودی روند مبادلات تجاری بهبود خواهد یافت.

آنچه مسلم است، با روند جهانی شدن

اقتصاد و تجارت، آهنگ رشد اقتصاد جهانی برای گسترش مبادلات تجاری حایز اهمیت است. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز شاهد بودیم که شرکت‌های بزرگی که از رکود آسیب دیدند، در بخش تجارت با مشکلات عظیمی روبه‌رو شده‌اند. جهانی شدن همچنان که مزایای دسترسی بیشتر به بازارها را ایجاد کرده، اما ضربه‌پذیری در برابر عوامل بروز رکود در اقتصاد جهانی نیز بر آن تأثیر مستقیم دارد و با سرایت رکود اقتصادی از یک کشور به دیگر کشورها، روند تجارت

ورشکستگی را در جوامع مختلف دامن می‌زند. با وجود توافقات حاصله در جریان مذاکرات چندجانبه دور اروگوئه و تأثیر بسزای آن در روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت، به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی نیازمند گفت‌وگوهای بیشتر در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. همان‌گونه که تسهیلات تجاری در فرآیند آزادسازی تجارت جهانی گسترش می‌یابد و بنگاه‌های اقتصادی برای تقویت بنیه رقابت خود به انجام اصلاحات ساختاری

تازه‌ای روبه‌رو می‌سازد. از سوی دیگر روند ادغام‌ها و تلاش برای ارتقای کارایی بنگاه‌ها به رشد روزافزون بهره‌گیری از فناوری و کاهش اتکا به نیروی کار انجامیده و تنش‌های اجتماعی را به دنبال دارد. تلاش برای انجسام گفت‌وگوهای چندجانبه جهت توجه بیشتر به مباحث اجتماعی در فرآیند جهانی شدن، اقدامی ضروری است که دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران سازمان جهانی تجارت نیز تا حدودی بدان متوجه شده‌اند.

جهانی شدن هر چند فرصت‌های ارزشمندی را در اختیار بنگاه‌های اقتصادی به ویژه بنگاه‌های بزرگ قرار می‌دهد. اما تلاش کشورهای تازه صنعتی شده و در حال توسعه برای انجام اصلاحات به منظور تقویت بنیه رقابت نیز همچنان ادامه دارد.

این گروه کشورها، با بهره‌گیری از ملاحظات خاص در موافقتنامه‌های تجاری دور اروگونه سعی دارند که اصلاحات مورد انتظار را به سرعت جامه عمل بپوشانند تا بتوانند با دستیابی آسان‌تر به بازارهای جهانی، سهم خود را در تجارت جهانی تقویت کنند.

در همین حال، آنها اقتصاد خود را در برابر رقابت فشرده‌تر از طریق اتکا به مزیت‌های موجود و قابل خلق تقویت می‌کنند. برای مثال معاون اداره امور سازمان جهانی تجارت و همکاری اقتصادی چین اواخر سال گذشته میلادی اعلام کرد، امتیازات، مسؤولیت‌ها و وظایف چین پس از ورود به سازمان جهانی تجارت در حال توازن قرار دارد و چین متعهد شده است که در کنار گشایش بیشتر درهای خود به روی خارج، مقررات جهانی را مراعات کند.

«جانگ شیانگ چن» در ارتباط با ورود چین به سازمان جهانی تجارت گفت: چین ضمن اجرای وظایف خود می‌تواند از دستاوردهای یک دهه گذشته در توسعه نظام تجارت چندجانبه و تقویت فرآیند آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری بهره‌بردار و همچون اعضای دیگر سازمان از امتیازات تجاری بهره‌مند گردد. این امتیازات موجب خواهد شد که چین بتواند کالاها و خدمات خود را راحت‌تر از گذشته به بازار بین‌المللی صادر کند.

وی با اشاره به رقابت فشرده در بازار جهانی و مشکلاتی که فراروی مؤسسات چینی قرار دارد، گفت: تجدید، تنظیم و اصلاح مقررات و قوانین در حال انجام است و نیروی انسانی نیز برای آگاهی از این مقررات و قوانین سازمان جهانی تجارت در حال آموزش است. «جانگ» تأکید کرد که شرکت‌ها و مؤسسات باید خود را با نیاز روز منطبق و مشکلاتشان را حل کنند. اما ورود به سازمان جهانی تجارت در مجموع به توسعه و ثبات اقتصادی و اجتماعی چین کمک خواهد کرد و برای مردم سودمند است.

چین از کشورهای تازه وارد به سازمان جهانی تجارت است که در دو دهه گذشته از رشد سریع اقتصادی برخوردار بوده است و ارزش مبادلات تجاری آن از مرز ۵۰۰ میلیارد دلار در سال گذشته است.

با گسترش روند جهانی شدن در سال‌های آتی و به ویژه پس از سال ۲۰۰۵ میلادی، رقابت در بازارهای جهانی شدت خواهد گرفت و کشورهایی که بتوانند سهم بیشتری در تجارت جهانی به دست آورند، قادر خواهند بود که به رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری جامه عمل بپوشانند و از بحران‌های اجتماعی به ویژه بیکاری فاصله گیرند. با این وصف، پذیرش گسترش آهنگ جهانی شدن در بعد اقتصادی و تجاری، حقیقتی غیرقابل انکار است و برای تداوم رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی در جوامع به ویژه کشورهای در حال توسعه، انجام اصلاحات ساختاری و نزدیک شدن به مقررات سازمان جهانی تجارت برای کسب سهم عادلانه در تجارت جهانی، الزامی انکارناپذیر محسوب می‌شود.

